



مطالعه مقدماتی برای انطباق و هنجاریابی پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر

دکتر حسین کاویانی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر حسن حق شناس

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز

این مطالعه برای انطباق پرسشنامه سرشت و منش (تی.سی.آی - ۱۲۵) و هنجاریابی آن در جمعیت جوان ایرانی صورت گرفت. پس از ترجمه، انطباق محتوایی و واریانس فرهنگی، آزمون مزبور در یک نمونه از آزمودنی‌های جوان تهرانی و شیرازی اجرا گردید. نتایج نشان داد که فرم فارسی پرسشنامه تی.سی.آی - ۱۲۵ می‌تواند ابعاد چهارگانه سرشت و ابعاد سه گانه منش (مبتنی بر نظر کلونینجر) را در جمعیت جوان ایرانی مورد سنجش قرار دهد. ضریب همبستگی برای نمرات آزمون - بازآزمون، نشانگر پایایی قابل توجه این پرسشنامه است. این مطالعه نشان داد که پرسشنامه سرشت و منش را می‌توان با اعمال محدودیت‌هایی، در جامعه ایرانی به کار گرفت. ضمناً درباره محدودیت‌های روش شناختی این تحقیق و نکات کاربردی آن بحث خواهد شد.

مقدمه

نظریه‌های زیست‌شناختی شخصیت (biological theories of personality) جایگاه ویژه‌ای در متون روان‌شناسی جهان دارد اما به نظر می‌رسد در متون فارسی، توجه به شخصیت از دیدگاه زیستی، به استثنای تلاش‌های پراکنده، همواره مورد غفلت بوده است. گرایش ذهنی (به ویژه روان‌کاوی) در تحلیل رفتار آدمی، سال‌های متمادی گرایش غالب در میان روان‌شناسان جهان و ایران بوده است. هر چند این گرایش، در چند دهه اول قرن بیستم، در کشورهای باختری نیز بر حوزه علوم رفتاری سایه افکنده بود؛ اما پس از دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ به تدریج جای خود را به گرایش‌های عینی داد. رویکرد زیست‌شناختی به شخصیت (و نیز رفتار) از جمله این گرایش‌هاست. اینک نظریه‌های زیست‌شناختی

شخصیت بر پایه‌های علمی محکمی تکیه زده است؛ پایه‌هایی که بدون تلاش و پافشاری افرادی مثل هانس آیزنک، جفری گری، نیومن، رابرت کلونینجر و دیگران نمی‌توانست شکل گیرد (برای مثال ر.ک. آیزنک، ۱۹۶۷؛ آیزنک، ۱۹۵۲؛ گری، ۱۹۹۱). ابزار سنجش ارزشیابی روان‌شناختی (psychological assessment) از جمله نکات روش شناختی است که می‌تواند «ذهنیت» را با «عینیت» و «کیفیت» را با «کمیت» آشتی دهد. در ایران، به طور کلی روان‌شناس پژوهشگر (و نیز در حیطه بالینی) فاقد ابزار سنجش مناسب، معتبر و پایا برای ارزیابی‌هاست؛ حلقه گمشده‌ای که اعتلای علم روان‌شناسی در ایران به آن بسته است. مطالعه حاضر تلاش نمود تا به انطباق و هنجاریابی پرسشنامه سرشت و منش (Temperament & Character Inventory-TCI)



یادگیری اجتماعی - فرهنگی است و در طول زندگی رشد می‌کند. هر یک از ابعاد سرشتی و منشی در یک دستگاه (شبکه) تعاملی، جریان سازگاری و تطابق تجربیات زندگی را راه‌اندازی و هدایت می‌کند. آمادگی ابتلا به اختلال‌های هیجانی و رفتاری از چگونگی عملکرد این دستگاه تعاملی اثر می‌پذیرد (کلونینجر و سرائیک، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴؛ جوف و همکاران، ۱۹۹۳).

این پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده است تا بتواند در حکم یک پرسشنامه شخصیتی جامع ایفای نقش کند و بنابراین کاربردهای گسترده‌ای دارد. برای مثال، با استفاده از مقیاس‌های منش می‌توان اختلال‌های شخصیتی را در فرد تعیین، و از مقیاس‌های سرشت برای تشخیص افتراقی انواع این اختلال‌ها استفاده نمود (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۳). همچنین می‌توان تفاوت‌های بالینی در نشانگان مرضی (برای نمونه اختلال‌های اضطراب، خلق، اختلالات مرتبط با خوردن و سوء استفاده دارویی) را با توجه به نیمرخ‌های (profiles) تی.سی.سی.آی که از مطالعات مقطعی (cross-sectional) و طولی (longitudinal) روی جمعیت عمومی به دست آمده، بررسی کرد (کلونینجر و

125) (کلونینجر، ۱۹۹۳) یا به اختصار «تی.سی.سی.آی - ۱۲۵» پردازد. نویسندگان همچنین به موازات تلاش برای هنجاریابی پرسشنامه شخصیتی آیزنک (فرم تجدید نظر شده که آن نیز مبتنی بر زمینه‌های زیستی شخصیت است) کوشش‌هایی را سامان داده‌اند (حقوق‌شناس و کاویانی، در دست چاپ).

پرسشنامه سرشت و منش «تی.سی.سی.آی - ۱۲۵»، دارای ۴ مقیاس سرشت (temperament)؛ نوجویی (novelty seeking)، آسیب‌گریزی (harm avoidance)، پاداش‌خواهی (reward dependence) و پشتکار (persistence) و ۳ مقیاس من (character)؛ همکاری (co-operation)، خود راه‌بری (self-directiveness) و خودفراروی (transcendence) است (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۴). در نظریه کلونینجر، سرشت به پاسخ‌های هیجانی خودکار (automatic) باز می‌گردد و تا حدودی جنبه وراثتی دارد و در سراسر زندگی استوار می‌ماند. در مقابل، منش به خودپنداره‌ها (self-concepts) و تفاوت‌های فردی در اهداف و ارزش‌ها و انتخاب‌های فرد و معنای تجربه او در زندگی بر می‌گردد. منش تا اندازه‌ای متأثر از

جدول ۱- میانگین دامنه تغییرات، انحراف استاندارد، مقادیر t و سطح معنی‌داری سن آزمودنی‌ها به تفکیک جنس و شهر

شهر	جنس	تعداد	سن (به سال)		
			میانگین	دامنه تغییرات	انحراف معیار
شیراز	مرد	۷۳	۱۸/۹۶	۱۷-۲۹	۱/۵۷
	زن	۵۴	۱۸/۲۶	۱۷-۲۰	۰/۵۶
تهران	مرد	۶۱	۲۳/۹۸	۲۱-۳۲	۲/۱۷
	زن	۵۱	۲۲/۴۱	۱۸-۳۷	۲/۷۱
کل	مرد	۱۳۴	۲۱/۳۷	۱۷-۳۲	۳/۱۲
	زن	۱۰۵	۲۰/۳۴	۱۷-۳۷	۲/۸۳



برگزیده شدند.

جدول ۱ مشخصات سنی و جنس نمونه را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. برای محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه تی.سی.آی و مقیاس‌های منش و سرشت، از ۲۰ آزمودنی پس از گذشت حدود دو ماه مجدداً آزمون به عمل آمد.

شیوه اجرا

پرسشنامه به صورت گروهی (گروه‌های ۲۰-۳۰ نفره) به افراد داده شد. از آنها خواسته شد تا عبارات پرسشنامه را به دقت بخوانند و مقابل هر عبارتی که درباره آنها صادق است (یا وضعیت آنها هماهنگ‌تر است) پاسخ «صحیح» و در غیر این صورت پاسخ «غلط» را در پاسخ‌نامه علامت بزنند.

برای اجتناب از پاسخ‌های ساختگی (بر اساس آرمان‌ها و نه واقعیت) آزمودنی‌ها ترغیب می‌شدند تا صادقانه پاسخ دهند و وقت زیادی را صرف انتخاب پاسخ‌ها نکنند. به همین دلیل، به آنها اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنها محرمانه نزد محققان طرح باقی خواهد ماند و هیچ کس غیر از آزمودنی‌ها از نتایج آنها مطلع نخواهد شد. در پایان، مجری پاسخ‌نامه‌ها را واریسی می‌کرد و چنانچه جای پاسخی خالی مانده بود، از فرد می‌خواست تا آن را تکمیل کند.

تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل‌های آماری این تحقیق از طریق برنامه SPSS برای ویندوز انجام شد. برای مقایسه تسک متغیرهای موجود (مثل سن و ...) بین گروه‌های دوگانه (مثل مرد - زن؛ تهران - شیراز) از یک رشته آزمون t برای نمونه‌های مستقل (independent-test) استفاده شد.

یافته‌های مربوط به متغیرهای وابسته (نمرات مقیاس‌های هفتگانه) به وسیله تحلیل واریانس چند متغیره 2×2 (جنسیت \times شهر) تجزیه و تحلیل شد. در این عملیات آماری، دو عامل جنسیت و شهر به عنوان متغیرهای میان گروهی در نظر

همکاران، ۱۹۹۴). افزون بر این، مقیاس‌های سرشت به کاربرد داروهای روان‌زا مثل داروهای ضد افسردگی و داروهای ضد اضطراب و مقیاس‌های منش به اثر روان‌درمانی‌ها حساس هستند (جویس و همکاران، ۱۹۹۴). گزارش‌ها حاکی از آن است که ابعاد سرشت با ساختار وراثتی (ژنتیک) شخصیت هم‌خوان است. این بدان معناست که ابعاد سرشتی از نظر ژنتیک همگن (homogeneous) و مستقل از یکدیگرند (کلونینجر، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷؛ کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۳). مطالعات روی جمعیت وسیعی از دولوها مؤید این موضوع است (هیث و همکاران، ۱۹۹۴).

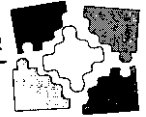
روش

نخست، دو منبع مستقل (مؤلفان مقاله) تی.سی.آی - ۱۲۵ را ترجمه کردند. دو نسخه ترجمه شده، به وسیله دو روان‌شناس بالینی مسلط به زبان انگلیسی و فارسی بازخوانی و نظر آنها گرفته شد. سپس مترجمان اولیه دو نسخه ترجمه شده را مقابله با توجه به پس‌خوراند دو بازخوان، تغییرات جدید را در آن اعمال کردند. در این مرحله به خصوص جنبه‌های مربوط به تفاوت‌های فرهنگی مستتر در شیوه بیان عبارات پرسشنامه مورد تأکید قرار گرفت. در انتها برای اطمینان از صحت فن ترجمه، یک استاد زبان انگلیسی (دکتر) عبارات ترجمه شده را با جملات متن اصلی مقایسه کرد و سرانجام متن نهایی به دست آمد.

پرسشنامه سرشت و منش (تی.سی.آی - ۱۲۵) دارای ۱۲۵ عبارت است که فرد باید در مقابل واژه «صحیح» یا «غلط» جلوی هر عبارت علامت بزند.

نمونه

نمونه‌گیری در دو شهر تهران (۱۱۲ نفر) و شیراز (۱۲۷ نفر) روی جمعیت جوان (دختران و پسران دانشجوی) انجام شد. شرکت کنندگان در این تحقیق از بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و پزشکی، به صورت در دسترس،



این چنانچه ذکر شد، عامل سن به عنوان متغیر همپراش تغییرات محسوسی در عملیات آماری ایجاد نکرد. عملیات آماری نشان می‌دهد که عامل جنسیت دارای اثر اصلی و یا تعاملی بر هیچ کدام از مقیاس‌های منش و سرشت نیست؛ اما برای عامل شهر یک اثر اصلی به دست آمد ($P < 0/001$ و $F = 15/15$ و $F(7, 227)$).

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار برای تمامی مقیاس‌های هفتگانه (به تفکیک برای تهران و شیراز و نیز در نمونه کل) را نشان می‌دهد. تحلیل‌های واریانس تک عاملی نشان می‌دهد که از

گرفته شدند. چنانچه یک عامل اصلی یا تعاملی برای یکی از دو متغیر میان گروهی پیدا می‌شد، آن عامل از محاسبه حذف و عملیات آماری دوباره به تفکیک زیر گروه‌های آن عامل، تکرار می‌شد. همچنین برای برآورد ضریب پایایی از طریق نمرات آزمون - باز آزمون، از روش همبستگی پرسون استفاده شد. از آنجا که تحلیل واریانس نشانگر تفاوت متغیرها بین دو شهر بود، همبستگی‌ها به تفکیک برای شهرها محاسبه و برای کاوش بیشتر درباره اثر عامل سن، این عامل در کنار مقیاس‌های اصلی به

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار (در پراتز) در مقیاس‌های پرسشنامه سرشت و منش (تی.سی.آی) به تفکیک شهر

شهر	نوجویی	آسیب‌گریزی	پاداش‌خواهی	پشتکار	همکاری	خود-راهبری	خود فراروی
تهران	۷/۹۹ (۳/۳۹)	۸/۴۴ (۴/۶۷)	۸/۸۶ (۲/۳۱)	۲/۶۶ (۲/۲۶)	۱۹/۱۸ (۳/۷۸)	۱۶/۲۸ (۴/۷۱)	۷/۸۵ (۳/۳۶)
شیراز	۸/۹۰ (۳/۲۱)	۷/۸۷ (۴/۴۳)	۸/۹۶ (۲/۴۶)	۲/۶۳ (۱/۴۸)	۱۶/۱۰ (۳/۹۴)	۱۴/۵۰ (۵/۰۹)	۱۰/۹۸ (۲/۸۹)
کل	۸/۰۱ (۳/۳۸)	۸/۴۸ (۴/۶۷)	۸/۸۷ (۲/۳۰)	۲/۶۴ (۲/۲۵)	۱۹/۱۵ (۲/۷۸)	۱۶/۱۸ (۴/۸۰)	۷/۸۸ (۳/۳۷)

نظر آماری نمرات این مقیاس‌ها بین دو شهر تفاوت معنی‌دار داشت: (۱) نوجویی ($P < 0/05$ و $F = 4/53$)؛ (۲) همکاری ($P < 0/01$ و $F = 37/09$)؛ (۳) خود راهبری ($P < 0/01$ و $F = 7/74$)؛ (۴) خود فراروی ($P < 0/001$ و $F = 59/37$).

برای کاوش در ضریب پایایی پرسشنامه از روش آزمون - باز آزمون استفاده شد. ضرایب همبستگی بین نمرات به دست آمده از آزمون و نمرات باز آزمون ۲۰ نفر از آزمودنی‌ها به این شرح است: نوجویی ۰/۹۶؛ آسیب‌گریزی ۰/۹۱؛ پاداش‌خواهی ۰/۶۱؛ پشتکار ۰/۷۶؛ همکاری ۰/۹۵؛ خود راهبری ۰/۸۵؛ خود فراروی ۰/۸۸. جدول ۳ ضرایب همبستگی بین نمرات مقیاس‌های هفتگانه تی.سی.آی را نشان می‌دهد.

بحث

هدف تحقیق حاضر، انجام یک مطالعه مقدماتی برای انطباق پرسشنامه «تی.سی.آی - ۱۲۵» و هنجاریابی آن در جمعیت جوان ایرانی بود. این پرسشنامه شخصیتی که در زمینه سرشت و منش دارای ظرفیت ارزیابی است، بر نظریه شخصیت کلونینجر و

محاسبات همبستگی اضافه شد. متعاقب آن برای مقایسه نمرات هر مقیاس در دو گروه، یک رشته تحلیل واریانس تک عاملی انجام شد. برای کنترل تغییرات سنی، عامل سن در کلیه عملیات تحلیل واریانس به عنوان متغیر همپراش (co-variate) وارد محاسبات گردید؛ اما تغییر محسوسی در مقادیر به دست آمده، مشاهده نشد. بنابراین ارقام و یافته‌های این گزارش از محاسبات آماری اصلی (پیش گرفته) خواهد بود.

نتایج

جدول ۱ نمایانگر مقادیر آماری متغیرهای توصیفی آزمودنی‌ها به تفکیک جنس و شهر است. مقادیر t نشان می‌دهد که عامل سن بین دو جنس (مرد و زن) در هر دو شهر مورد مطالعه (تهران و شیراز) و نیز در نمونه کل، به طور معنی‌داری متفاوت است. به نظر نمی‌رسد این تفاوت‌ها ناشی از اختلاف میانگین‌ها باشد؛ میانگین‌ها در مورد هر دو شهر و نیز در کل شبیه است؛ اما ظاهراً نوع پراکندگی (تفاوت انحراف معیارها و نیز دامنه تغییرات) به تفاوت‌های سنی معنی‌دار منجر شده است. با وجود



آموزه‌های زندگی در ابعاد مختلف اجتماعی و تعامل با محیط، شاهد تغییرات منشی باشیم. اما شاید دو نکته این یافته را توجیه نماید:

(۱) تحقیق حاضر یک پژوهش مقطعی است که در آن سن به عنوان یک متغیر بین آزمودنی (between-subjects) مطرح است. در حقیقت، رسیدن به یک یافته معتبر در این زمینه، نیازمند یک تحقیق طولی روی یک نمونه واحد (که در نتیجه متغیر سن به عنوان متغیر درون آزمودنی‌ها (within-subjects) در نظر گرفته می‌شود) می‌باشد. فقط در چنین شرایط روش شناختی معتبری

همکاران (۱۹۹۳) استوار است. فقدان پرسشنامه‌های شخصیتی فارسی مبتنی بر نظریه‌های زیست‌شناختی، و نیز قدمت آزمون‌های شخصیتی رایج در بین روان‌شناسان ایران، بر اهمیت این تحقیقات می‌افزاید. تحقیق حاضر خود را محدود به نمونه‌گیری از جمعیت ایرانی نمود که این، تعمیم نتایج را به جمعیت کل جامعه با مشکل روبه‌رو می‌سازد؛ موضوعی که باید درباره آن محتاط بود.

هر چند عامل سن بین مردان و زنان هر دو شهر و در کل نمونه تفاوت معنی‌دار داشت؛ اما کاربرد عامل سن به عنوان متغیر همپراشی، تأثیر محسوسی در نتایج نداشت. همچنین نتایج جدول

جدول ۳- ضرایب همبستگی (پیرسون) مقیاس‌های هفتگانه سرشت و منش

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							-	۱- سن
						-	۰/۰۳	۲- نوجویی
					-	-۰/۱۴	-۰/۱۱	۳- آسیب‌گریزی
				-	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۸	۴- پاداش‌خواهی
				-۰/۰۸	۰/۱۲	-۰/۰۹	۰/۰۵	۵- پشتکار
		-	۰/۰۷	۰/۱۰	-۰/۱۹*	-۰/۳۲**	۰/۰۳	۶- همکاری
	-	-۰/۱۰	۰/۰۵	-۰/۱۶	-۰/۴۵***	-۰/۲۸	۰/۱۷	۷- خودراهبری
-	-۰/۰۲	-۰/۰۲	۰/۲۵	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۱۳	۰/۱۳	۸- خودفراروی

$P < ۰/۰۰۱$ ***

$P < ۰/۰۱$ **

$P < ۰/۰۵$ *

است که تغییرات سن و تغییرات ابعاد مختلف شخصیتی قابل اندازه‌گیری و استناد است.

(۲) دامنه تغییرات سن نمونه حاضر بسیار محدود است (جوانان). کاوش در زمینه این ارتباط، ظاهراً نیازمند نمونه‌گیری از دامنه سنی گسترده‌تر می‌باشد.

در میان محاسبات آماری، به یک اثر اصلی برای عامل شهر بر می‌خوریم. کاوش‌های بیشتر نشان می‌دهد که نمونه شیراز از نظر ویژگی نوجویی، و خودفراروی و نمونه تهران به لحاظ همکاری نمرات بالاتری داشته‌اند. این بدان معناست که نمونه شیرازی نوجوتر و خود فراروتر از هم‌تایان تهرانی خود بوده است و نمونه تهرانی ظاهراً همکاری منشی بیشتری دارد. کاوش بیشتر در زمینه تفاوت‌های بین شهر (بین فرهنگی) که حیطه‌جالبی برای

۳ نشان می‌دهد که عامل سن با هیچ یک از مقیاس‌های هفتگانه سرشت و منش، همبستگی معنی‌دار نداشته است. این یافته تأیید فزون‌تر این واقعیت است که سن، علی‌رغم تفاوت‌های اولیه، به عنوان متغیر مستقل هیچ‌گونه اثری بر متغیرهای وابسته و یا هیچ‌گونه ارتباط معنی‌دار با آنها (دست کم در تحقیق حاضر) نداشته است. طبق نظریه کلونینجر (۱۹۹۳ و ۱۹۸۶)، مقیاس‌های سرشت بیشتر تحت تأثیر عوامل زیستی و ژنتیک قرار دارد؛ در حالی که مقیاس‌های منش از یادگیری‌های اجتماعی-فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. طبق این فرض، فقدان ارتباط میان تغییرات سن و نمرات مقیاس‌های سرشتی تبیین‌پذیر جلوه می‌کند، اما عدم همپراشی و همبستگی تغییرات سن با نمرات مقیاس‌های منش، تأمل برانگیز است؛ زیرا انتظار این است که با گذشت زمان و افزایش



مذکور گزارش کرده‌اند. با توجه به منفی بودن همبستگی شاید مقایسه توصیف‌های آسیب‌گریزی بالا و خودراهبری پایین بتواند روشن‌گر باشد (کلونینجر و همکاران ۱۹۹۴).

افرادی که در مقیاس آسیب‌گریزی نمره بالا می‌آورند، معمولاً مستعد ترس، عصبی، مضطرب، کم‌رو، مردد، ناامید، منفعل، منفی‌گرا، بد بین و ناایمن هستند و در مقابل افرادی که در مقیاس خودراهبری نمره پایین می‌آورند، ضعیف، شکننده، نکوهش‌گر، غیر مؤثر، غیر مسئول، غیر معتبر و دارای رفتار ابدایی می‌باشند. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین صفات این دو گروه نزدیکی و همپوشی وجود دارد که احتمالاً ضریب همبستگی منفی بین دو مقیاس را تبیین می‌کند.

در مطالعه مقدماتی حاضر تلاش شد تا مقیاس‌های پرسشنامه تی.سی.آی در یک جمعیت جوان ایرانی هنجاریابی شود. برای کامل‌تر کردن تصویر ارائه شده، مطالعات بعدی باید روی روایی این پرسشنامه متمرکز شود. کلونینجر و همکاران (ر.ک. کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۴) یک فهرست مطالعاتی ارائه داده‌اند که تی.سی.آی را روی جمعیت‌های بالینی مختلف به کار گرفته‌اند. برای رسیدن به نیم‌رخ‌های روانی انواع مختلف اختلال‌های روانی، مؤلفان این مقاله در صددند تا این پرسشنامه را در جمعیت‌های بالینی به کار برند.

بحث می‌گشاید، به پژوهش‌های گسترده‌تر (به لحاظ جمعیت و پراکندگی جغرافیایی) موقوف می‌شود.

پایایی پرسشنامه شخصیتی تی.سی.آی - ۱۲۵ در جمعیت جوان ایرانی به روش آزمون-بازآزمون به دست آمد. ضرایب همبستگی بین نمرات مقیاس‌ها در آزمون‌های اول و دوم، قوی و از نظر آماری معنی‌دار بود. این بدان معنی است که نتایج آزمون‌ها با گذشت زمان پایا می‌ماند و دستخوش دگرگونی‌های اساسی نمی‌شود.

ضرایب همبستگی بین مقیاس‌های هفتگانه (جدول ۳) نشان می‌دهد که هیچ همبستگی معنی‌داری بین مقیاس‌های چهارگانه سرشت (نوجویی، آسیب‌گریزی، پاداش‌خواهی و پشتکار) وجود ندارد. این به معنی استقلال مقیاس‌ها از یکدیگر و عدم وابستگی تغییرات آنها به یکدیگر است. همچنین فقدان همبستگی معنی‌دار بین مقیاس‌های سه‌گانه منش حاکی از استقلال آنهاست. با وجود این، پنج مورد همبستگی معنی‌دار بین بعضی از مقیاس‌های سرشت و برخی از مقیاس‌های منش در جدول ۳ قابل مشاهده است؛ اما تنها ضریب همبستگی بالاتر از ۰/۴۰، متعلق به رابطه آسیب‌گریزی و خودراهبری است. این ضریب همبستگی منفی ($r = -0/45$) بدان معنی است که هر چه بر میزان ویژگی آسیب‌گریزی افزوده گردد، میزان ویژگی خودراهبری کاهش می‌یابد. این ضریب مشابه ضریبی ($r = -0/47$) است که کلونینجر و همکاران برای رابطه

منابع

۱- حق‌شناس، ح. و کاویانی، ح. (زیر چاپ). انطباق و هنجاریابی پرسشنامه شخصیتی آیزنک (پرشا). فرم تجدید نظر شده. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی.

Cloninger CR, Svrakic DM (1994). Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model. In S Strack & M Lorr (Eds.), *Differentiating Normal and Abnormal Personality*. New York: Springer Publishing Co.

Cloninger CR (1986). A unified biosocial theory of personality and its role in the development of anxiety states. *Psychiatric Developments*, 3, 167-226.

Cloninger CR (1987). Neurogenetic adaptive mechanisms in alcoholism. *Science*, 236, 410-416.

Cloninger CR & Svrakic DM (1993). Personality

dimensions as conceptual framework for explaining variations in normal, neurotic, and personality disordered behavior. In GD Burrows, R Noyes & M Roth (Eds.). *Handbook of Anxiety*. Netherlands: Elsevier.

Eysenck HJ (1952). *The Scientific Study of Personality*. London: Routledge & Kagan Press.

Eysenck KJ (1967). *The Biological Basis of Personality*. Springfield: C. C. Thomas.

Gray JA (1991). *The Psychology of Fear and Stress*. Cambridge: University Press.



Heath AC, Madden PA, Cloninger CR & Martin NG (1994). Genetic and Environmental structure of personality. In CR Cloninger (Ed.), *Personality and Psychopathology*. Washington DC: American Psychiatric press.

Joffe RT, Bagby RM, Levitt AJ, Regan JJ & Parker JD (1993). The Tridimensional Personality Questionnaire in

major depression. *American Journal of Psychiatry*. 150, 959-960.

Joyce PR, Mulder RT & Cloninger CR (1994). Temperament predicts clomipramine and desipramine response in major depression. *Journal of Affective Disorders*. 30, 35-46.